

بررسی جایگاه احترام به کودکان در اندیشه قرآنی علامه طباطبائی^۱

فاطمه گرمابی^۱

چکیده

کودکی، یکی از مراحل رشد انسانی است. اهمیت این مرحله تا آنجاست که آموزه‌های قرآنی، به آن توجه و اهتمام خاصی دارد؛ زیرا آینده هر شخصی به دوران کودکی او وابسته است. یکی از روش‌های صحیح و کارآمد در تربیت انسان، روش احترام و «تکریم شخصیت» است. این شیوه در حقیقت پشتوانه سلامت روان بشر و از مهم‌ترین عوامل رشد شخصیت اوست. پژوهش حاضر به روش کتابخانه‌ای انجام گرفته و هدف از انجام آن اهمیت جایگاه تربیتی و اجتماعی احترام به شخصیت کودکان در قرآن از دیدگاه اندیشه علامه طباطبائی می‌باشد. در این پژوهش به تبیین موارد مختلفی همچون کودکی، احترام به کودک، جایگاه احترام به کودک در قرآن و نظریات و شیوه برخورد علامه طباطبائی پرداخته است. احترام و تکریم شخصیت آدمی از اصولی است که در فرایند تربیت باید رعایت شود، زیرا انسان نیازمند این است که دیگران برایش قدر و منزلتی قایل باشند چرا که اگر کودک در درون احساس شخصیت و عزت نماید، اعتماد به نفس به دست آورده و در اجتماع شأن و منزلت پیدا می‌کند و خود را سالم نگه می‌دارد، اما اگر در درون احساس بی‌شخصیتی کرد، مستعد گرایش به انحرافات و کج رفتاری‌های اجتماعی می‌شود. بنابراین می‌توان با حفظ احترام کودک او را تبدیل به موجودی ارزشمند و با عزت کرد.

کلیدواژه‌ها: کودک، احترام، علامه طباطبائی، قرآن

^۱ طلبه سطح دو مدرسه علمیه تخصصی حضرت آمنه <

مقدمه

دین مبین اسلام در مقایسه با سایر ادیان شاخص ترین دینی است که هم به لحاظ تعالیم و آموزه ها و هم به سبب تأثیرات گسترده ای که بر ذهن و رفتار پیروان خود گذارده و آنان را به صورت فعال درگیر زندگی در این دنیا کرده ، توانسته است گسترده ترین حضور اجتماعی را در جوامع به ثبت برساند. در قرآن کریم، آیات زیادی در مورد مسائل و موضوعات اجتماعی وجود دارد. رابطه فرد و جامعه، اهمیت خانواده، پیدایش جوامع و تطور آن، انواع جامعه، سنت های اجتماعی، رسالت جامعه، عوامل وحدت دهنده و عوامل نابودکننده جامعه و ارزش های اجتماعی از مباحث مهمی است که آیاتی از قرآن به آن پرداخته است. (عیوضی، ۱۳۸۶، ش ۵۸، ص ۲)

احکام و قوانین اسلامی، بیشتر از آنکه به طور مستقیم ناظر به روابط انسان با خدا باشد، ناظر به روابط انسان با انسان است؛ چون اگر روابط انسانها با یکدیگر به شکل درست انجام شود، تامین کننده روابط انسان با خدا است؛ چرا که خروجی احکام عبادی در ارتباط با خدا را می توان در خلق و خوی شخص نسبت به دیگران جستجو کرد؛ از همین رو مومن را کسی دانسته اند که «خلق نیکو» در روابط اجتماعی داشته باشد و حتی پیامبر(ص) هدف و حکمت و فلسفه بعثت پیامبران از جمله خویشتن را «اتمام مکارم اخلاقی» دانسته است. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۰ و ۷۱، ص ۲۱۰ و ۳۷۲)

این بدان معناست که هدف و فلسفه آموزه های وحیانی از جمله آموزه های دستوری و احکام و قوانین آن، دستیابی انسان به «اخلاق نیک» است. از همین رو وقتی از احترام، تکریم، تعظیم و حرمت نهادن نسبت به شعائر الهی و حدود و قوانین آن سخن به میان می آید، به معنای احترام گذاشتن به حقوق انسانی و تکریم انسان ها نسبت به یکدیگر است. (جلالوند، ۱۳۹۹، ص ۴)

در این بین، حفظ حرمت کودکان با توجه به اینکه ریشه بسیاری از مشکلات انسان به دروران کودکی او برمی گردد، از اهمیت فراوانی برخوردار است که قبل از پرداختن به آن ذکر مقدماتی لازم است.

مفهوم شناسی

کودک

فرزند انسان از زمان تولد تا بلوغ، کودک یا «صغیر» نامیده می شود که معادل آن در زبان عربی طفل است. در مصباح المنیر آمده است: «فرزند صغیر انسان را کودک (طفل) نامند. (ابن منظور، ۱۳۷۵، ج ۱۱، ص ۴۰۱) این لفظ بر فرزند مذکر (پسر) و مؤنث (دختر) و نیز جمع آن ها (فرزندان) اطلاق می گردد و تا زمانی که به سن تمیز نرسیده است، او را طفل صغیر می نامند». (فیومی، ۱۳۹۷، ص ۳۷۴)

در اصطلاح فقهی هم به فرزند انسان از زمان تولّد تا ابتدای بلوغ، کودک اطلاق می‌شود. این تعبیر در بسیاری از مباحث به چشم می‌خورد. مثلاً در باب تبعیت طفل از والدین در حکم اسلام، در کلمات بعضی از فقیهان آمده است: «حکم طفلی که به سن بلوغ نرسیده مطلقاً (پسر باشد و یا دختر) از جهت مسلمان یا کافر بودن، حکم والدین اوست و در احکامی مثل طهارت و نجاست، از آن‌ها تبعیت می‌نماید. این مساله بین فقها اجماعی است و روایات متواتر بر آن دلالت دارد.» (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۸، ص ۱۰۹)

دانشمندان علوم اجتماعی نیز به این موضوع توجه خاصی داشته‌اند؛ زیرا تکامل مادی و معنوی جوامع انسانی، در گرو توجه کامل به کودکان است. از این رو حقوق کودکان در اجتماع به هیچ امری محدود نخواهد بود. قوانین اسلام، زندگی آدمی را از قبل تولد تا لحظه مرگ در بر می‌گیرد. حقوق کودک، چه حقوق واجب و چه وظایف اخلاقی، به عنوان یکی از این قوانین از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا نهال وجود کودکان همواره در معرض آفت‌ها و آسیب‌های گوناگون است. (وزیری، ۱۳۸۴، ص ۵۸)

کودکی یکی از مراحل حیات دنیایی انسان است. (حج: ۵، روم: ۵۴ و غافر: ۶۷) این مرحله از هنگام ولادت آغاز می‌شود (همان) و تا بلوغ ادامه می‌یابد؛ (نساء: ۶) زیرا با رسیدن کودک به دوران بلوغ، حیات و زندگی وی به مرحله دیگری وارد می‌شود که از آن به دوران نوجوانی یاد می‌شود و کودک در مرحله آغاز رشد جنسی و سپس عقلانی قرار می‌گیرد که آثار آن را می‌توان در حوزه رفتارهای اقتصادی به خوبی مشاهده کرد (کهف: ۸۲). دوران شیرخوارگی چنان مهم است که خداوند در آیات پیش گفته و همچنین آیه ۶ سوره طلاق، بر لزوم مشاوره و همفکری والدین در مورد چگونگی شیرخواری کودک تاکید کرده و در آیه ۱۵ سوره احقاف نیز تکمیل دوران شیرخوارگی را واجب و لازم دانسته است؛ زیرا این دوران در رشد و تکمیل شخصیت کودک نقش اساسی ایفا می‌کند. (بقره: ۲۳۳ و لقمان: ۱۴)

مفهوم شناسی احترام:

احترام، مصدر باب افتعال از ریشه «ح ر م» و به معنای حرمت نگه‌داشتن است. حرمت به معنای چیزی است که هتک و شکستن آن روا نباشد، آمده است. (فراهیدی، ص ۱۷۴ و جوهری، ج ۵، ص ۱۸۹۷).

«حرام» به معنای کاری است که انجام دادن آن ممنوع باشد و «حَرَمَ» مکان محترمی است که انجام دادن برخی امور مجاز در مکان‌های دیگر در آن جا روا نیست. (راغب، ص ۲۲۹) و «حریم چاه» به معنای اطراف آن است که جز مالک، کسی حق تصرف و حفر چاه دیگر در آن جا را ندارد. (ابن فارس، ج ۲، ص ۴۵) و «حرمت شخص» چیزی است که شخص از آن حمایت و دفاع می‌کند. (ابن منظور، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۱۴۰) احترام در اصطلاح عرف به معنای تعظیم، گرامی داشت و بزرگ‌داشت، بی‌ارتباط با معنای لغوی آن نیست؛ زیرا شخص، شیء، مکان یا زمان محترم، دارای حرمت و حریمی است که حفظ آن لازم و هتک آن نارواست.

کلمه احترام در لغت نامه دهخدا نیز به معنای حرمت داشتن، بزرگ داشتن و بزرگداشت آمده است. (دهخدا، ۱۳۲۵ ش، ج ۳، ص ۱۰۵۵) احترام بر این اساس چنان که در اصطلاحات عرفی نیز آمده به معنای تعظیم و تکریم و گرامیداشت شخص است که بی ارتباط با معنای لغوی آن نیست؛ زیرا شخص یا هر چیز دیگری که محل احترام است از نظر مردم دارای حرمت و حریمی است که می بایست آن را حفظ کرد.

کرامت انسان

انسان با احترام گذاشتن به حقوق دیگران، به خود انسانی خویش احترام می گذارد؛ زیرا افزون بر اینکه مراعات حقوق دیگران موجب می شود تا دیگران نیز نسبت به حقوق ما احترام بگذارند و مراعات کنند، عامل اصلی در احترام به خویشتن خویش است.

کسانی که به حقوق دیگران احترام می گذارند بستری برای انسجام اجتماعی می شوند؛ زیرا مردم با احترام به یکدیگر در قالب مثلاً احترام به قوانین و حقوق اجتماعی می توانند به همدیگر نزدیک شوند و محبت خویش را ابراز کنند. این محبت می تواند در همه ابعاد از جمله محبت از طریق احسان و انفاقات مالی، صله رحم، همکاری در برّ و تقوا و مانند آنها خودنمایی کند. (مائده: ۲)

منشأ احترام به هر چیزی را باید در نحوه ارتباط آن با خدا دانست. هر چیزی که انتساب آن به خدا قوی تر و نزدیک تر باشد از احترام بیش تری برخوردار است.

بسیاری از آموزه های حقوقی و حکمی قرآن ارتباط تنگاتنگی با مسئله احترام و تکریم انسان دارد. از این رو حرمت جان آدمی (انعام: ۱۵۱) و یا مال (بقره: ۱۸۸) و یا عرض و آبرو (نساء: ۱۴۸ و نور: ۲۳) در شریعت اسلام و همه شرایع وحیاتی آسمانی مطرح شده و از مردمان خواسته شده که با یکدیگر به سخن نیکو (بقره: ۸۳) و دور از تهمت و غیبت و افترا (حجرات: ۱۱ و ۱۲) و صدای بلند، یا رفتاری تفاخرآمیز و تبخترگونه و مانند آن عمل کرده و احترام یک دیگر را نگه دارند. (جلالوند، ۱۳۹۹، ص ۱)

در قرآن تکریم در باب تفعیل و بر وزن فَعَّلَ، يُفَعِّلُ، تفعیل به معنای احترام کردن و کریم نمودن و مکرم ساختن انسان است با این تفاوت که معادل با مطلق وجود و بخشش نیست. خداوند متعال در قرآن کریم بنی آدم را تکریم نموده است و هیچ موجودی را برتر از او نیافریده است: «و لقد کرّمنا بنی آدم و حملناهم فی البرّ و البحر و رزقناهم من الطّیّبات و فضّلناهم علی کثیرٍ ممّن خلقنا تفضیلاً» (اسراء: ۷۰) ما فرزندان آدمی را گرامی داشتیم و آن ها را در خشکی و دریا بر مرکب های راهوار سوار کردیم و از انواع غذاهای پاکیزه به آنان روزی دادیم و بر بسیاری از مخلوقات برتری بخشیدیم. از آیه مزبور چنین استنباط می کنیم که خداوند بر نوع بشر منت نهاده و به او دو چیز بخشیده است: یکی کرامت و بزرگواری و دیگری برتری بر سایر مخلوقات. منظور از تکریم، اعطای خصوصیتی است به او که در سایر موجودات و پدیده ها نیست و منظور از برتری،

اعطای خصوصیاتی است به انسان که دیگر موجودات در آن شریک هستند، ولی انسان در حدّ اعلاء از آن برخوردار است. نظر به این که انسان از این دو مزیت عالی و فطری برخوردار است، احترام و تکریم وی یک وظیفه اساسی است که هیچ عاملی نباید آن را متزلزل سازد.

احترام به کودک از منظر روانشناسان

روانشناسان شخصیت را مجموعه ای از جنبه های بدنی، عادات، تمایلات، حالات، افکار، نظریات، استعدادها و رفتارهایی دانسته که در فرد به صورت خصوصیات و صفاتی نسبتاً پایدار در آمده و به صورت یک کل واحد عمل می کند. روانشناسان معتقدند که در این دوره مهم ترین عامل مؤثر در رشد و تکامل شخصیت کودک محیط، اولیاء و اطرافیان او هستند. همچنین روانشناسان، یکی از علتهای ایجاد عقدۀ روانی را محترم نبودن فرد در برابر دیگران می دانند. مراعات احترام کودک یکی از راههای پیشگیری از پیدایش چنین آسیب روانی است. به علاوه، تکریم کودک و احترام به او، حس خودباوری و اعتماد به نفس را که در ارتباطات اجتماعی بسیار حائز اهمیت است، در آنان تقویت می کند. (بیابانگرد، ۱۳۷۲، ص ۸۷)

قرآن توجه به نیازهای معنوی و تأمین احتیاجات روانی کودک را به طرز ظریفی پیش بینی نموده است. از این روست که تکریم و رعایت احترام کودک به عنوان یک حق مسلم بر عهده والدین و دیگران، مورد تأکید قرار گرفته است. زیرا که دوره کودکی مهم ترین دوره زندگی انسان و دوره شکل پذیری و اثر پذیری او می باشد. (حیدری و پورشایگان، ۱۳۹۳، ص ۴)

کودک و نوجوانی که مورد توهین و تحقیر پدر و مادر قرار گیرد عقده و کینه پیدا می کند و دیر یا زود دست به طغیان و تمرد خواهد زد و از آنان انتقام خواهد گرفت. متأسفانه بعضی از پدران و مادران در ارتباط با احترام به کودکان برداشت نادرستی دارند، و می گویند: «اگر به کودکان احترام بگذاریم لوس می شوند و به ما احترام نخواهند گذاشت.» این گونه والدین، بی اعتنائی، بی توجهی و در بعضی مواقع تحقیر کودکان را یک نوع روش تربیتی می دانند، و بدین وسیله عزت و شخصیت کودک را لگدکوب کرده و احساس حقارت، فرومایگی و زبونی را در نهاد وی به ودیعه می گذارند. در صورتی که این روش، یکی از اشتباهات بزرگ تربیتی والدین می باشد، که با سیره و روش ائمه اطهار (ع)، علمای دینی، علوم تربیتی و روانشناسی منافات دارد. احترام به کودک نه تنها پدر و مادر را در نظر فرزند کوچک نمی گرداند بلکه روح شرافت و بزرگواری و عزت نفس را در آنان پرورش می دهد. (شکوهی، ۱۳۷۰، ص ۲۰۱)

احترام به کودکان در روایات

در روایات اسلامی برای محبت به کودکان تاکید فراوان شده است، مانند:

رسول اعظم (ص) در ضمن خطبه‌ای در بیان وظایف مردم در ماه رمضان می‌فرماید: به بزرگسالان خود احترام کنید و نسبت به کودکان خود ترحم و عطوفت داشته باشید. «قَالَ: وَقَرُّوا كِبَارَكُمْ وَارْحَمُوا صِغَارَكُمْ». (حرعاملی، ۱۴۰۲ق، ج ۱۰، ص ۳۱۳)

و نیز فرموده است: کسی که به کودکان محبت و شفقت نداشته باشد و بزرگسالان را احترام نکند، از ما نیست. «لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يَرْحَمْ صَغِيرَنَا وَ لَمْ يُؤَقِّرْ كَبِيرَنَا». (ورام، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۳۴)

از وصایای امیرالمؤمنین ع به فرزندان هنگام شهادتش این بود که در خانواده خود به کودکان عطوف و مهربان باشید و بزرگترها را احترام کنید. (شیخ مفید، ۱۳۶۱، ص ۲۲۲ و مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۲، ص ۲۰۳)

امام صادق ع می‌فرماید: خداوند بعضی از مردان را به خاطر شدت محبت و دوستی نسبت به فرزندانش مورد لطف و رحمت خویش قرار می‌دهد. «إِنَّ اللَّهَ لَيَرْحَمُ الْعَبْدَ لَشِدَّةِ حُبِّهِ لَوْلَدِهِ». (کلینی، ۱۴۱۱ق، ج ۶، ص ۵۰)

هم‌چنین آن حضرت نقل می‌کند: موسی بن عمران ع به درگاه خدا عرض کرد، کدام اعمال نزد تو برتر است؟ فرمود: دوست داشتن کودکان، زیرا فطرت آنان را بر توحید و یگانگی خود آفریدم و اگر از دنیا بروند با رحمتم آنان را داخل بهشت می‌نمایم. (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۴۵۷ و بروجردی، ۱۳۸۰ق، ج ۲۱، ص ۲۹۲)

پیامبر [نشسته بود، حسن و حسین (علیهما السلام) به طرف آن حضرت آمدند. پیامبر [وقتی آنها را دید به احترام آنها ایستاد. چون به کندی حرکت می‌کردند، پیامبر (ص) به استقبال آنها رفت و آنها را بر دوش خود سوار کرد و فرمود: چه مرکب خوبی دارید و شما چه سواران خوبی هستید (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۲۸۵).

در سیره ائمه اطهار=روش‌های مختلفی مانند بوسیدن برای مهرورزی وجود دارد. امام صادق ع فرموده است: «أَكْثَرُوا مِنْ قُبْلَةٍ أَوْلَادِكُمْ فَإِنَّ لَكُمْ بِكُلِّ قُبْلَةٍ دَرَجَةً فِي الْجَنَّةِ: فرزندان خود را زیاد ببوسید؛ زیرا برای شما در هر بوسیدن، درجه‌ای در بهشت است». نامیدن کودک با الفاظی زیبا و محبت‌آمیز مانند عزیزم و سلام کردن به او، از دیگر روش‌های مهرورزی در سیره معصومین=است. بنا بر روایات، پیامبر اکرم (ص) هر گاه از کنار کودکان عبور می‌کرد، با نهایت تواضع به آنها سلام می‌کرد. (حاج شریفی، ۱۳۸۶، ص ۲۹۵)

عمل کردن به وعده‌هایی که به کودک داده می‌شود نیز از دیگر موارد تکریم و تربیت کودک است که افزون بر محبتی که به او منتقل می‌کند، صداقت را نیز به او می‌آموزد. رسول خدا (ص) فرمود: «أَحِبُّوا الصَّبِيَّانَ وَ ارْحَمُوهُمُ وَ إِذَا وَعَدْتُمُوهُمْ شَيْئاً فَفُوا لَهُمْ: فرزندان را دوست بدارید و به آنان محبت کنید و هر وقت به آنان وعده دادید، به آن عمل کنید». مشورت خواستن از کودک نیز یکی دیگر از راه‌های تکریم و بزرگداشت اوست:

«قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبُحُكَ فَانْظُرْ مَاذَا تَرَى» گفت: ای فرزند خردسالم، من مرتب در خواب می‌بینم که تو را سر می‌برم، پس بنگر چه نظر می‌دهی». مشاهده چنین برخوردهایی از طرف خانواده تأثیر مستقیمی بر روحیه و آرامش کودک دارد. در خانواده‌هایی که عشق و احترام در میان اعضا به مرور کمرنگ شود، بی‌شک کودکان دچار آسیب عاطفی خواهند شد. (لباف، ۱۳۸۵، ص ۶۴)

در رابطه با تاریخچه پژوهش در زمینه احترام به کودکان در اندیشه علامه طباطبایی تحقیقات زیادی صورت گرفته و در خصوص رابطه احترام به کودک در قرآن و اسلام و نتایج آن اندیشه‌هایی صورت گرفته است که به صورت زیر می‌باشد:

سید باقر حسینی و زهرا عرب در مقاله‌ای با عنوان "تکریم و احترام گذاشتن به کودکان از دیدگاه قرآن و ائمه اطهار (الهیات و معارف اسلامی)" نشان می‌دهد که احترام گذاشتن به کودکان و تقویت حس عزت نفس در ایشان از جمله‌ی مهم‌ترین عواملی است که در سلامت روح و جسم آنان دخالت می‌کند.

صالحی و یار محمدی در مقاله‌ای با عنوان "تبیین تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه علامه طباطبایی با تأکید بر هدف‌ها و روش‌های تربیتی" به استخراج دلالت‌های تربیتی مرحوم علامه با یک بررسی اجمالی از انسان‌شناسی معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی می‌پردازند تا در زمینه‌ی اهداف روش‌ها و وظایف معلم برای تربیت کودک استفاده شود.

رضائی و حیدری در پژوهشی با عنوان "روش‌های تربیت اجتماعی کودک بر اساس قرآن و نهج البلاغه" در مجموع ۶ روش برای تربیت اجتماعی کودک مورد بررسی و تبیین قرار داده‌اند و نیز به توصیه‌هایی با توجه به هر روش برای مربیان و والدین جهت بهره‌گیری و استفاده اشاره واقع شده است. روش‌های بررسی شده عبارتند از: الگویی، پیشگیری، عبرت‌آموزی، تشویق، تنبیه، تعلیم.

حیدری و پورشایگان در تحقیقی به بررسی شناخت و معرفی آیات قرآن کریم و دیدگاه‌های امام علی (ع) در مورد تکریم شخصیت کودکان، فوائد تکریم شخصیت کودک، تکریم شخصیت و ارزشها، عوامل و متغیرات در شکل‌گیری شخصیت کودک، وسایل تکریم شخصیت کودک از نظر اسلام پرداخته‌اند.

سمیعی و همکاران در مقاله‌ای با عنوان "بررسی میزان تأثیر استفاده از روش‌های تربیت اخلاقی از دیدگاه اسلام بر بهبود نگرش مربیان نسبت به آموزش احترام" نشان داد که احترام دانش‌آموزان نسبت به مربیان با توجه به روش‌های تربیتی ارائه شده از دیدگاه اسلام تأثیر چشمگیری داشته است.

بنابراین، من باب اهمیت موضوع این مقاله می‌توان گفت که تکریم و احترام به شخصیت کودک را می‌توان به عنوان یک وسیله و روش تربیتی مهم معرفی کرد.

برای تحقق هدف این مقاله یعنی بررسی اهمیت جایگاه احترام به کودکان در قرآن و آشنایی با مبانی استنباط و اجتهاد در علوم انسانی و تسلط بر مقدمات تحقیق در قرآن و احادیث و آگاهی از نظریات دانشمندان لازم و ضروری است. استاد علامه طباطبایی (ره) فقیه و مفسر و حکیم و اسلام شناس جامع در عصر حاضر، با الهام از سرچشمه ی وحی در رشته های مختلف علوم و معارف اسلامی تحقیقات جامع و گسترده ای کرده و آثار گران بهایی به وجود آورده است.

با توجه به ذکر مطالب گفته شده هدف از انجام پژوهش حاضر اهمیت جایگاه تربیتی و اجتماعی احترام به شخصیت کودکان در قرآن از دیدگاه اندیشه علامه طباطبایی می باشد. امید است که مطالب این تحقیق بتواند به عنوان ابزاری برای آشنایی خوانندگان در راستای موضوع مورد بحث قرار گیرد.

معرفی اجمالی علامه طباطبایی (ره)

سید محمدحسین طباطبایی (۱۲۸۱ - ۱۳۶۰ ش) مشهور به علامه طباطبایی مفسر، فلیسوف، اصولی، فقیه، عارف و اسلام شناس. وی از عالمان تأثیرگذار شیعه در فضای فکری و مذهبی ایران در قرن ۱۴ ش بود. او نویسنده تفسیر المیزان و کتاب های فلسفی بدایة الحکمة، نهایة الحکمة و اصول فلسفه و روش رئالیسم است. علامه طباطبایی در حوزه علمیه قم به جای اشتغال به فقه و اصول، درس تفسیر قرآن و فلسفه برقرار کرد. این کار او موجب رونق دانش تفسیر در حوزه علمیه قم شد. روش تفسیری او تفسیر قرآن به قرآن بود. در دوران تعطیلی درس فلسفه، با برقراری جلسات هفتگی با شاگردان خاص خود تدریس مبانی فلسفی ملاصدرا و حکمت متعالیه را ادامه داد. بسیاری از مدرسان بعدی فلسفه در حوزه علمیه قم شاگردان او بودند. شاگردان او همچون شهید مطهری، شهید بهشتی، مصباح یزدی و جوادی آملی را می توان جزو مؤثرترین و معروف ترین روحانیان شیعه در ایران در چهار دهه پایانی قرن ۱۴ ش دانست. نشست های علمی او با هانری کربن فیلسوف و شیعه شناس فرانسوی زمینه ساز معرفی تشیع به اروپاییان شد. (غیاثی کرمانی، ۱۳۸۱، ص ۲۳)

احترام به کودک در سیره و دیدگاه علامه طباطبایی

علامه طباطبایی برای بچه ها خصوصا دخترها ارزش بسیار قائل بود و دخترها را نعمت های خدا و تحفه های ارزنده می دانست، مدام بچه ها را به آرامش و راستی دعوت می نمود، میل داشت آوای صوت قرآن در گوش کودکان طنین انداز شود و برای همین منظور قرآن را با صدای بلند تلاوت می نمود. در فرصت های مناسب

از روایات مطالبی آموزنده نقل می کرد و براین باور بود که این برنامه برای بچه ها مفید است، با کودکان بسیار مهربان و خوش رفتار بود و گاه می شد که وقت زیادی را صرف بازی و سرگرم کردن آنان می نمود، در عین حال از حد خود تجاوز نمی نمود که بچه ها لوس بار آیند، از سروصدای فراوان فرزندان و نوه ها و نیز پرحرفی ها و سؤالات مکرر آنان به هیچ عنوان ناراحت و خسته نمی شد، در خانه هم توصیه می کرد مبادا در مقابل کودکان عکس العمل بدی نشان دهید و به آنان چیزی بگویید، بچه باید آزاد باشد، در عین حال به ادب و تربیت آنان توجه داشت و رفتار پدر و مادر را در تربیت آنان مؤثر می دانست و عقیده داشت که حرف پدر و مادر نباید در مورد بچه یا در هر موردی که بچه ها شاهدند دوگانه باشد و می گفت این حالت دوگانگی شخصیت بچه ها را ناجور بار می آورد. در رفتارشان با دخترها احترام و محبت افزون تری مشاهده می شد و می گفت به این ها باید محبت بیشتری شود تا در زندگی آینده با نشاط باشند و بتوانند همسری خوب و مادری شایسته باشند، حتی نام دختران را با پسوند سادات صدا می کرد و اظهار می داشت حرمت دختر مخصوصا سید باید حفظ شود. همسرش عقیده داشت که دختر باید در خانه کار کند ولی علامه می گفت به آنها فشار نیاور، آن ها اکنون باید آرامش داشته باشند و هنوز موقع کار کردنشان فرا نرسیده است. دخترش نقل کرده است در مواقعی غذایی طبخ می کردیم که اشکال داشت، پدرم اصلا به روی خودش نمی آورد و خیلی هم تعریف می کرد، مادرم می گفت به این ترتیب این دخترها در کدام خانه می توانند زندگی کنند؟ و پدرم می گفتند این ها امانت خدا هستند هرچه آدم به این ها احترام بگذارد خدا و پیغمبر خوشحال می شوند. تربیت ما منحصر در هنگام کودکی صورت نگرفت من پس از ازدواج هم همیشه از رهنمودهای پدرم بهره مند می شدم مثلا اوایل ازدواج هروقت به خانه پدرم می رفتم عوض این که بپرسند وضعت چطور است؟ فقط سفارش می کردند که مبادا کاری کنی که موجبات ناراحتی مادر شوهرت را فراهم کنی که خدا از تو نمی گذرد. علاقه ایشان به فرزندانشان زیاد بود، در سال های اخیر که ما در تهران اقامت داشتیم، من هفته ای دو سه بار به ایشان سر می زدم ولی مشخص نبود که چه وقت هایی می روم منتهی هروقت می رفتم، خانمشان (همسر دوم علامه) می گفتند: که پدرت سه، چهار ساعت است که این جا قدم می زند و منتظر توست، وقتی می پرسیدم: از کجا می دانستید که من می آیم؟ پدرم جواب مشخصی نمی دادند و بالاخره هم نفهمیدم چطور می دانستند که من چه وقت به آن جا می روم. فرزند محترمه علامه در ادامه افزوده است پدرم می گفت: اگر زن اهمیت نداشت خدا نسل دوازده امام را از نسل حضرت زهرا (س) قرار نمی داد. واقعا اگر زن خوب باشد می تواند عالم را گلستان کند و اگر بد باشد عالم را جهنم می نماید. (جرعه های جانبخش، ش ۸۹۲، ص ۳۹۲-۳۹۴)

به این صورت با توجه به صحبت های مختلف علامه و آیات قرآن عواملی را از جایگاه اجتماعی و تربیتی احترام به کودک استخراج کرده و به طور خلاصه به تبیین آن ها می پردازیم.

الف) جایگاه اجتماعی

سعادت و رستگاری انسان در پرتو تعاملات اجتماعی و در ارتباط با دیگران به دست می آید. علامه طباطبایی در این مورد میگوید: «بدیهی است که یک سعادت واقعی و کامل جز در پرتو همکاری اجتماعی میسر نیست. چه در غیر این صورت اگر هم سعادت به دست آید، کامل و همه جانبه نخواهد بود». (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۹، ص ۱۴۴)

رستگاری و سعادت انسان، در سایه ی گرایش اجتماعی و روح جمعی انسان حاصل می شود. تاثیر گذاری در روح و نفس یک کودک بسیار آسان تر از تغییر یک فرد بالغ است پس برای رسیدن به این رستگاری میبایستی ریشه احترام را در کودکان قوی نمود. بعضی از اهداف اجتماعی احترام به کودک از دیدگاه علامه طباطبایی عبارت است از:

- تقویت روحیه تعامل و همکاری با احترام گذاشتن و مشارکت دادن کودک در کارها برای حل مسائل اجتماعی در زمان بزرگسالی (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۹، ص ۱۴۵)
- پرورش روحیه احترام به هم نوع در کودک و عدالت خواهی در آینده (مأنده: ۸)
- احترام به افراد و مراعات حقوق دیگران از زمان کودکی (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۲، ص ۲۸۷)
- ایجاد روابط محبت آمیز و سازنده با دیگران از زمان طفولیت در نتیجه دیدن احترام از افراد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۲، ص ۹۰)
- ایجاد عادت به نظم و انضباط و احترام به اصول زندگی در کودک و عادت به رعایت مقررات و قوانین اجتماعی به هنگام بلوغ (ری شهری، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۹۶)
- یادگیری احترام به افراد دیگر و به تبع آن خدمت و رفع نیاز آنان و رسیدن به روحیه مسئولیت پذیری در زمان بزرگسالی (شیخ صدوق، ۱۳۶۲، ص ۷۰)
- شناخت و پذیرش فرهنگ اسلامی جامعه و احترام به آن در کودک برای حفظ و گسترش آن در آینده (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۱۱، ص ۴۰۷)

ب) جایگاه تربیتی

همانطور که در آیات قرآن و روایات رفتار پیامبر و سخنان ائمه اطهار(ع) مشاهده کردیم احترام تاثیر به سزایی در تربیت و تعلیم کودکان بر جای میگذارد. به این صورت که جایگاه تربیتی احترام در جامعه اسلامی در

زمینه پرورش اخلاقی کودکان از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. اینک به برخی اهداف تربیتی احترام به کودک از منظر علامه طباطبائی اشاره میکنیم:

- شناخت تکریم شخصیت در کودک و توجه به کرامت های نفس (طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۱۲، ص ۲۶۲)
- شناخت و پذیرش فرهنگ احترام و تلاش برای حفظ و گسترش آن (طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۱۲، ص ۴۰۷)
- تهذیب نفس از رذایل و عادت های ناپسند (ری شهری، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۲۴۸)
- تزکیه نفس و آراستن آن به فضایل اخلاقی (نهج البلاغه، ۱۳۶۵ق، نامه ۳۱)
- پرورش قدرت تفکر و اترام به تفکر دیگرانو استنباط و نیروی ابتکار در افراد (طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۹، ص ۱۳۰)
- احترام به ذوق هنری کودک و پرورش استعداد زیباشناسی.

نتیجه گیری

در آموزه‌های آسمانی اسلام، همه کودکان از دختر و پسر، حقوق و مزایای معینی دارند و همگان از اعمال هر گونه خشونت و بی‌رحمی در حق آنان باز داشته شده‌اند. این در حالی است که پیش از اسلام، میان اعراب و دیگر اقوام، کودکان در وضع نامناسبی قرار داشتند و از کمترین حقوق عادی نیز بهره‌مند نبودند. اهمیت ارزش کودکان در اسلام تا آنجاست که آن‌ها نه فقط پس از تولد، بلکه پیش از تولد نیز دارای حقوقی هستند. گزافه نیست اگر بگوییم اسلام، اساس حقوق بشر را با حقوقی که برای کودکان در نظر گرفته، پایه‌گذاری کرده است. با توجه به آن چه مورد بررسی قرار گرفت به این نتیجه می‌رسیم که احترام و تکریم شخصیت آدمی از اصولی است که در فرایند تربیت باید رعایت شود، زیرا انسان نیازمند این است که دیگران برایش قدر و منزلتی قایل باشند و خودش را با قدر و قیمت ببیند و در برخورد با قدردانی دیگران، این احساس را به دست آورد که دارای ارزشی است، لذا اگر کودک در درون احساس شخصیت و عزت نماید، اعتماد به نفس به دست آورده و در اجتماع شأن و منزلت پیدا می‌کند. خود را سالم نگه دارد اما اگر در درون احساس بی‌شخصیتی کرد، مستعد گرایش به انحرافات و کج رفتاری‌های اجتماعی می‌شود. لذا باید با توجه به آموزه‌های کتاب قرآن و با پیروی از دیدگاه افراد بزرگی مانند علامه طباطبایی در اهمیت به شخصیت فرزندان از هیچ تلاشی دریغ نکرده و رفتار ائمه معصوم = را در برخورد با کودکان الگوی خود قرار داد.

منابع

کتاب

۱. قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
۲. نهج البلاغه، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
۳. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب. (ج ۱۱). بيروت: دار بيروت، ۱۳۷۵.
۴. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن. (ج ۱). قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱.
۵. بروجردی، سیدحسین، جامع احادیث الشیعۀ. (ج ۲۱). تهران: مطبعه المساحه، ۱۳۸۰ق.
۶. بیگی، جمال، بزه‌دیدگی اطفال در حقوق ایران. تهران: میزان، ۱۳۸۴.
۷. بیابانگرد، اسماعیل، روشهای افزایش عزت نفس در کودکان و نوجوانان. تهران: انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۷۲.
۸. جالوند، صابر، احترام به دیگران از نگاه قرآن. تهران: کیهان، ۱۳۹۹.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعۀ. قم: مؤسسه آل‌البیت (ع)، ۱۴۰۲ق.
۱۰. حاج شریفی، محمدرضا (۱۳۸۶). حقوق فرزند بر والدین از نگاه اسلام. تهران: سینا.
۱۱. ری شهری، محمد، میزان الحکمه، (ج ۲-۸-۱۰). قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۲.
۱۲. شکوهی یکتا، محسن، تعلیم و تربیت اسلامی (مبانی و روشها). تهران: دفتر تحقیقات و برنامه ریزی و تألیف کتب درسی. ۱۳۷۰.
۱۳. شیخ مفید، محمد بن محمد، الامالی. قم: حوزه علمیه، ۱۳۶۱.
۱۴. صدوق، محمد بن بابویه، مصداق الاخوان. تهران: جاویدان، ۱۳۶۲.
۱۵. طباطبایی، محمد حسین، تفسیرالمیزان. (ج ۹-۱۱-۱۲). ترجمه ی محمد باقر موسوی همدانی، تهران: رجا، ۱۳۶۲.
۱۶. غیاثی کرمانی، سید محمدرضا، زندگی نامه علامه سید محمدحسین طباطبائی. قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۱.
۱۷. فیومی، احمد بن محمد، مصباح المنیر. قم: دار الهجره، ۱۳۹۷.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی. (ج ۶). تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۱۱ق.
۱۹. لباف، فریبا، حقوق فرزندان از نظر قرآن و سنت. تهران: زهد، ۱۳۸۵.
۲۰. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار. (ج ۱۶-۴۲-۴۳-۷۰). بيروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۲۱. وزیری، مجید، حقوق متقابل کودک و ولی در اسلام. تهران: بین‌الملل، ۱۳۸۴.
۲۲. ورام، مسعود بن عیسی، مجموعه ورام. (ج ۱). مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۶۹.

مقالات

۲۳. حیدری، ناهید؛ پورشایگان، نوشین، تکریم و احترام به کودک. مجموعه مقالات دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، ۱۳۹۳.

۲۴. عیوضی، محمدرحیم، فرهنگ اسلامی: مفاهیم، ویژگی ها و اصول، ماهنامه زمانه، شماره ۵۸، ۱۳۸۶.